

مجموعه تأملات اندیشکده خرد (۳)

خردمندی و پارسایی

«آملاتی در پیوندهای دین، سیاست و جامعه»

امیر دیری مهر



نقد فرهنگ

۱۳۹۷

سرشناسه	دبیری مهر، امیر، ۱۳۵۶.
عنوان و نام پدیدآور	خردمندی و پارسایی؛ تأملاتی در پیوندهای دین، سیاست و جامعه/ امیر دبیری مهر.
مشخصات نشر	تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۷.
فروست	مجموعه تأملات اندیشکده خرد؛ ۳.
مشخصات ظاهری	۲۴۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	۲۱۰۰۰ ریال، ۹-۴۲-۸۴۰۵-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
منوع	تأملاتی در پیوندهای دین، سیاست و جامعه؛ دین و سیاست- ایران- مقاله‌ها و خطابه‌ها؛ دین و جامعه‌شناسی- ایران- مقاله‌ها و خطابه‌ها؛ جامعه‌شناسی سیاسی- ایران- مقاله‌ها و خطابه‌ها؛ اسلام و دولت- ایران- تاریخ- قرن ۱۴.
رده‌بندی کنج	۱۳۹۷ خ ۴/۵/۱۵۷۰ DSR
رده‌بندی دیویی	۹۵۵/۴
شماره کتابشناسی ملی	۳۵



نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع ۱م، بلوک ۸۲، واحد ۲۰۳
تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸ مراکز پخش: ۶۶۴۶۰۰۹۹، ۶۶۴۶۰۰۹۷، ۶۶۴۸۶۵۳۵

نام کتاب: خردمندی و پارسایی؛ تأملاتی در پیوندهای دین، سیاست و جامعه

نویسنده: امیر دبیری مهر

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

فهرست

۷	 دیپاچه
۱۳	 بخش اول: پیوندهای پنهان: آشکار شدن و سیاست در تاریخ ایرانی
۱۵	 رنجی که می‌بریم: بررسی آرای واضع دربارهٔ تقلانیت و معنویت
۳۹	 فقیه رنالیست: بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و غزالی
۵۱	 انقلاب اسلامی چگونه از عاشورای حسینی متأثر شد؟
	 سیاست و دین در عصر جهانی شدن: فرصت‌های پنهان و چالش‌های اسلامی ایران در
۶۷	 تحول هندسه جهانی قدرت
۹۹	 رصد تأثیر تغییرات سایبری، انقلاب دیجیتال و سواد اطلاعاتی بر نظام بین‌المللی
۱۳۱	 بخش دوم: نقش خرد در بازشناسی قدرت
۱۳۳	 چیستی فاشیسم و کیستی فاشیست‌ها
۱۴۳	 روش‌شناسی در علوم سیاسی: رهیافت پست‌مدرن به پژوهش‌های سیاسی
	 گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی: از نظریه‌های جامعه‌محور تا نظریه‌های دولت‌گرا
۱۵۳	

- بخش سوم: نقش خرد و ایمان در ارتباطات..... ۱۸۷
- سیاست‌زدگی، آزاداندیشی و تعامل علمی..... ۱۸۹
- روزنامه‌نگاری ایرانی: از ژورنالیسم تا نظارت سیاسی..... ۱۹۷
- انشای شهود: رویکردی اجتماعی به مناسکی فقهی..... ۲۲۱
- جرعه‌ای از سبوی عشق محمد(ص): الگوهای ارتباطات اجتماعی در سیره نبوی ... ۲۳۵

دیباچه

بعد از نگارش دو کتاب ملک سلطانی و نگین سلیمانی و فرزاندگی و جهان‌داری که اولی جزء رهاوی رد درباره رسانه؛ سیاست و امنیت و دومی نیز درنگی بود درباره فرهنگ، توسعه و روابط بین الملل، تصمیم گرفتم مجموعه سومی نیز شامل تاملاتی درباره دین، سیاست و جامعه، تالیف و محضر اندیشمندان و علاقمندان ارائه کنم، که خوان آن نردمندی و پارسایی نام گرفته است. قبل از توضیحاتی ضروری درباره سه فصل این کتاب و مقالات هر فصل، نکته مهمی را باید در اینجا طرح کنم و آن هم پاسخ به شبهه یا پرسشی است که در ذهن خواننده و مخاطب هوشمند این کتاب و کتاب‌های قبلی نگارنده، شکل می‌گیرد و اینکه این مقالات و نوشتارهای پراکنده این دفتر را که چه ارتباطی با هم دارند؟ ثانیاً، با مقالات مندرج در کتاب‌های قبلی چه پیوندی دارند؟ سیمین دارند که در سلسله تاملات اندیشکده خرد؛ ۱ و ۲ و ۳ نام‌گذاری شده‌اند؟ هر چه در زمینه کتاب‌های قبلی اشارتی به این مهم کرده‌ام، اما در اینجا مساله را دقیق‌تر و شفاف‌تر بیان می‌کنم.

۱. اگرچه این حدود ۴۰ مقاله، در سه کتاب عرضه شده عنوان‌های مختلفی دارند و در حوزه‌های متفاوتی اعم از سیاست، امنیت، فرهنگ، توسعه، روابط بین الملل، دین، جامعه، رسانه، ارتباطات و...، در مقاطع مختلفی نگارش شده‌اند، اما یک نخ تسبیح و رشته پیوند مستحکمی بین همه آن‌ها وجود دارد و آن هم دغدغه‌های مستمر و البته رو به تکامل نگارنده است، که همچون روح واحدی

در همه نوشته‌ها - اگر نیک بنگرید - وجود دارد و خود نمایی می‌کند. روح واحدی که از آن یاد می‌کنم، همان نایافته‌های محبوب ما ایرانیان در زندگی ذهنی و عینی ماست، که در مقدمه کتاب فرزنگی و جهان داری به تفصیل به آن اشاره کردم، که همانا امنیت، عدالت، آزادی و رفاه است. اگر به دردهای جامعه خودمان بنگریم، اعم از فقر، فساد و فحشا، آسیب‌های اجتماعی، تعدی و ظلم، غارت‌ماندگی و محرومیت، بوروکراسی ناکارآمد، ارتشاء و اختلاس، بحران محیط زیست و آب و هوا، نقض حقوق انسان‌ها در روابط اجتماعی، اقتصاد سامان، تحجر و تعصب و واپس‌گرایی و... همه ریشه‌هایی دارند که به ریشه‌های واحد و یکسانی منتهی می‌شوند و آن نبود سامان و تعادل بین مقوله‌های چهارگانه امنیت، عدالت، آزادی و رفاه است. تحقق این ۴ آرمان والا و بزرگ بشری نیز در گروه مردم و درک درستی از حوزه‌های سیاست و امنیتی و رسانه‌ای و توسعه‌ای اجتماعی دینی، فرهنگی و بین‌المللی است. طرح مساله در اینجا پیچیده و بغرنج است و دقیقاً هم چنین است. سامان حوزه عمومی و ملی، حوزه پیچیده و تودرتویی است. بین ساده نیست که برخی ساده‌انگاران و ساده‌اندیشان در ذهن کوتاه بین خود می‌پروراند. اگر در سامان این حوزه‌ها ناکامی‌های زیادی داشته، داریم و هنوز اندک خیمه است کوچه‌ایم، ناشی از همین ساده‌باوری‌هاست که تصور کردیم مدیریت سامان در سطح کلان را می‌توان با مدیریت‌های خرد و جزئی، مقایسه کرد و قواعد مشابهی بین آن‌ها یافت در حالی که شهریار و جهان‌داری نیازمند خردمندی و روح پارادایم دیگرخواه و از خود گذشته است و این مهم در جهان پیچیده امروز جز به سامان اف‌ب‌ا اشاره به شاخه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی از طریق مشورت و به‌کارگیری خبرگان و نخبگان این علوم در فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری میسر نمی‌شود. دریغ از این که با نسخه‌های پوسیده و نخ‌نمای تعمیم‌یافته از علوم مهندسی و پزشکی به‌هم‌آورد غول بزرگ مسائل و مشکلات اجتماعی رفته‌ایم و همیشه شکست خورده با اردوی افسردگی خود بازگشته‌ایم و به‌جای بازاندیشی در آرایش خودی به دسیسه‌های دشمنان پناه التیام‌بخش برده‌ایم. مهندسان و

پزشکان و متخصصان علوم دقیقه و حتی روحانیان، هرچند در حوزه‌های دانش‌آموختگی خود، اگر به درستی تربیت یافته باشند، کارکرد اجتماعی خود را در ساحت سیاست‌گذاری عمومی داشته و ارزش والایی در سامان عمومی دارند اما اگر مجهز و مسلط و دارای اشراف به حوزه‌های تخصصی در علوم انسانی و اجتماعی نباشند و نظریه‌ها و قواعد و سیر تکوین و تکامل تحولات انسانی و فرهنگی و تمدنی را در سالیان مدید به‌طور تدریجی نیاموخته و در فهم و ادراک خود، ادینه نکرده باشند، نه تنها نمی‌توانند راهی بگشایند، بلکه اساساً از تشخیص راه و چاه عاجزند، چنانچه تا امروز هم چنین بوده است. این داد-خواست علم، متخصصان شامل دارندگان مدارک عالی‌ه در علوم انسانی نیز می‌شود، آن‌که دانش‌های پیچیده و پژوهش‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی را باشگاه روشنفکری، ارکار اخذ مدرک می‌دانند و نه درد کاستن از رنج انسان‌ها و افزایش اقتدار ملی. دانش‌های علمی و روش‌شناختی تحقق این دغدغه‌ها را در میان کتاب‌ها و نظریه‌های علوم انسانی جستجو می‌کنند. نتیجه این آشفتگی میلیون‌ها فارغ‌التحصیل علوم انسانی است که در سامان زندگی خویش درمانده‌اند، چه رسد به سامان حیات امروز اینده مردمان و برخی صاحبان قیامت و منصب که خود را به خطابی نیاز از علم و معرفت و تجربه بشری می‌دانند.

۲. حال این پرسش را مطرح می‌کنید که راه‌حاره چیست؟ برای تقریب ذهن اشاره‌ای درست و به حق به عرفان و شهود می‌کنم. تمام سالک با وصول یافته، به یقین هر چند با هم متفاوت است اما در طول هم است. سالک باید متقی، ملتزم و متخلق به راه و رسم سلوک و خودسازی باشد، اما وصول سالک با آسان‌سولک تحقق نمی‌یابد، بلکه سال‌ها و سالیان مدیدی باید این مسیر پریچرخم سیر و سلوک با شهامت، شجاعت، توکل و تحت هدایت و زعامت پیر آزموده پیموده شود و در نهایت اگر توفیق ولیافتی بود، رشحاتی از شهود حقیقت بر جان و قلب سالک تجلی می‌یابد. در حوزه سامان‌دهی حوزه عمومی و ملی هم در سطح تبیین و نظریه‌پردازی و هم در سطح مدیریت و راهبردی به چنین انسان‌هایی نیاز است که مستعد، متعهد، سخت‌کوش و جهان‌دیده باشند، سال‌ها در این فضا

تمرین و مجاهدت کرده و ورزیدگی در تشخیص مشکل و مساله، ارائه راه‌حل و اجرای آن‌ها یافته باشند. این مقام با صرف داشتن نیت خیر و روزنامه‌خوانی و سخنرانی و زهدفروشی و عوام‌فریبی حاصل نمی‌شود، حتی عزم هزیمت هم کفایت نمی‌کند، بلکه نیازمند استعداد و روش‌شناسی، پارسایی، خیرخواهی، وطن‌دوستی و توکل مطلق به حضرت الوهیت و برخورداری از تخصص بی‌اشتهای است. هر چند پیشتر در خصوص بین‌رشته‌ای‌ها مطالبی را مطرح کرده‌ام، اما در اینجا مجدداً تأکید می‌کنم که سامان حوزه عمومی در جهان پیچیده‌ی امروز، در گروه متمسک و دست‌یازی به بین‌رشته‌ای‌هاست. امروز می‌توان گفت: اسناددان‌ها از تبیین و تشخیص مسائل و مشکلات اقتصادی به‌طور همه‌جانبه‌ای عاجز هستند، چه برسد که بتوانند برای آن راه‌حل ارائه دهند. نمونه آن ناتوانی همه‌جانبه‌ای آنان ایرانی در تبیین علل رشد سرطانی زمین و ملک در ایران، به‌عنوان مهم‌ترین عامل فقر عمومی و شکاف طبقاتی که منجر به شکل‌گیری طبقه جدیدی از زمین‌داران، فئودال‌ها و ملاکان در جامعه طبقاتی ایران شده است. زیرا درک این فاش‌ترین و فزاینده‌ترین فقر عمومی و شکاف طبقاتی در ایران شده است. امروز متخصصان علوم سیاسی از تبیین مساله امتناع نظام حزبی و تحزب در ایران صرفاً با یک یا دو نظریه‌های موجود در علوم سیاسی عاجز هستند، زیرا این معضل ریشه‌های تاریخی و فرهنگی جدی و عمیقی دارد که نیازمند همکاری و هم‌فکری جامعه‌شناسان، تاریخ‌دانان ایران است و قس علی‌هذا. این اشاره صرفاً گوشه‌ای از پیچیدگی‌های مسائل زندگی امروز و پیچیده‌تر بودن فهم آن‌ها و حل آن‌ها را پیش روی ما می‌نهد.

بنابراین مقالات متعدد و متفاوت در این دفتر و دفترهای پیشین، نه تنها رشته‌های پراکنده از هم نیستند، بلکه باید آن‌ها را با در نظر گرفتن رشته‌های مشترک و دغدغه‌های مرتبط با هم خواند، فهمید و درباره آنها داوری کرد. این حقیر به‌عنوان یک دانشجوی حوزه علم سیاست در ابتدای راه ناهموار فهم مسائل و ارائه راه‌حل با تکیه بر بین‌رشته‌ای‌ها هستم و نه دانشی برای عرضه دارم و نه صلاحیتی برای پیش نهادن به روی فرهیختگان ایرانی. اما در دو دهه اخیر از هیچ

کوشی در خفا و عیان برای کاستن از رنج‌های مردم با نوشتن، گفتن و خوشه‌چینی از یافته‌های شاخه‌های مختلف علوم انسانی فروگذار نکردم و در آینده نیز نخواهم کرد.

باور دارم که زندگی ما جز به صرف چهار چیز نمی‌ارزد: یکم، پرستش ذات باری تعالی، ایمان به صفات حق‌ی او و باور به بازگشت حتمی به بارگاه ربوبی حضرتش؛

دوم، دانش‌آموزی و علم‌اندوزی از مهد تا لحد، چنان‌چه در روایتی از حضرت خاتم‌الانبیا حضرت محمد مصطفی (ص) آمده است، زیرا که تجربه کرده‌ام به سببی می‌دانند که بالاتر از لذت معرفت و شناخت لذت و حظی متصور نیست.

سوم، نیکی کردن به همه اقسام آن، که هدف نهایی همه مکاتب، ادیان و عقاید انسان‌دوست است.

چهارم، عشق ورزیدن به خود، دیگران و طبیعت که رمز صلح و هم‌زیستی انسان‌ها با یکدیگر است.

این چنین نمی‌توان زیست جز با سامی، عداقلی از امنیت، رفاه، عدالت و آزادی و این حداقل فراهم نمی‌شود جز با تجهیز به شناخت و فهم درست و راهگشایی از موضوعات و مسائل اصلی علوم انسانی و اجتماعی، که عبارتند از: امنیت، سیاست، فرهنگ، توسعه و روابط بین‌الملل.

امیدوارم آشفته‌گویی و نوشته‌های پراکنده صاحب این قائم، آیه حرمت دغدغه مذکور ببخشاید و با هم‌ذات‌پنداری و هم‌دلی، به درک مشترکی از مسائل و مشکلات جامعه امروزمان دست یابیم و بدون تعجیل اما با همت و عزم مردم، برای حل آن‌ها چاره‌ای بخردانه اندیشیده و برای تحقق چاره‌ها، به عمل سنجیده متوسل شویم.

امیر دبیری مهر

بهار ۱۳۹۷